

تربیت دختران

(کنفرانس خانم تربیت روز اول ماه بهمن در کانون بانوان)

هراندازه که در دنیا دامنه فن تعلیم و تربیت توسعه پیدا میکند و هراندازه که بشر در راه تمدن مراحل نضج و تکامل را با قدمهای سریعی می‌پیماید بهمان اندازه در دنیای تمدن بمسئله تربیت و پرورش دختران از روی اصول و متود صحیح بیشتر اهمیت داده می‌شود و میتوان گفت که مسئله تربیت دختران امروز در دنیا یکی از مسائل مشکل و مهم فن تعلیم و تربیت بشمار می‌آید.

اگر درست در این مطلب تعمق کنیم که آیا دنیای امروز از زن چه انتظاراتی دارد؟ آیا در این کشمکش مشکل اقتصادی و سیاسی عالم زنها چه وظائفی را باید انجام دهند و چه مسئولیتی را برعهده دارند آنوقت فوراً اهمیت این مسئله در نظر ما روشن و آشکار خواهد شد. حالاً ببینیم امروز دنیا از زن چه انتظاراتی دارد؟

وضعیت فعلی دنیای امروز ایجاب می‌کند که زن باید کاردان، هوشیار، دانشمند و همه چیز بلد باشد علاوه بر آنکه بتواند از عهده اداره خانه و پرورش فرزند که از وظایف طبیعی اوست بخوبی بر آید در عالم اقتصادیات نیز کمک مرد باشد یعنی در موقع احتیاج از عهده انجام کاری بر آید دنیای امروز می‌خواهد که زن کدبانوی خوب، مادر دانا، پیشه ور لایق، کارگر کاردان، آموزگار آزموده، مدیر مدبر و دانشمند در امور باشد با کار و فعالیت خود در ازدیاد محصول کشور و کمک و یاری برادر و شوهر کوشش کند اداره خانه و کارها را از راه صرفه‌جویی و تدبیر بداند مخصوصاً جسم او باید قوی و سالم باشد تا بتواند در مقابل کار زیاد استقامت ورزد و در نتیجه عوامل و حوادث بزودی زبون و عاجز نماند پس حالاً که توقعات دنیای امروز از زن باین اندازه زیاد است مسلماً باید بتربیت دختران و زنان جوان هم بهمان اندازه همت کمارد.

بدینجهت تمام کشورهای بزرگ دنیا روز بروز توجهات خود را بیشتر بطرف زن معطوف داشته و میخواهند از لیاقت و استعداد فطری آن استفاده کنند لذا بتربیت و پرورش دختران جوان فوق‌العاده اهمیت میدهند.

برای اطلاع و آگاهی خانها که چگونه دیگران دخترهای خود را تربیت میکنند و در تعلیم و پرورش آنها در چه نکاتی دقت و اهتمام خود را بکار می‌برند امروز مختصری از تعلیم و تربیت دختران در آلمان صحبت می‌کنم.

آلمان که در وسط اروپا واقع شده برای نگهداری خود در مقابل خطرات کونا کون بگانه چاره را در تربیت و پرورش بلك نسل جدید و قوی دانسته و تمام همت و جدیت خود را بکار می‌برد که پسران و دختران جوان را از حبت قوای جسمانی و عقلانی خوب پرورش دهد.

در تابستان گذشته در مسافرت آلمان مدتی از فرصت استفاده کرده اغلب مؤسسات تربیتی دخترها و مجامع نسوان را برای مطالعات در وضع و ترتیب کار و طرز اداره آنها گردش کردم در آلمان تحصیلات اولیه برای دخترها نیز مانند پسرها اجباریست یعنی از سال هفتم تا ختم سال چهاردهم هفت سال تحصیل که چهار سال دوره ابتدائی و سه سال دوره اول متوسطه محسوب میشود برای هر فرد اجباریست در این مدت تقریباً دو سال بیشتر از دوره دبستانهای ماست آموزگاران تمام دقت و توجهات خود را بکار میبرند که شالده و اساس تعلیم و تربیت را با طرز و اسلوب صحیحی شروع نمایند آموزگاران بیش از مادران مواظب وضعیت جسمی، روحی و اخلاقی اطفال میباشند در این آموزشگاهها تمام تعلیمات از روی عمل و تجربه است و فکر و جسم بچه را بکار و امیدارند که خودشان از روی حس و تجربه مطالبی را فراگیرند آنچه که در حین ورود باین مؤسسات بیشتر نظر دقت انسان را جلب میکند و قلب هر بیننده فرح و سروری میبخشد نظم و نظافت کامل و سادگی و ترتیب آن مؤسسات و کارکنان و دانش آموزان آنست محصولات و کارکنان لباسهای خیلی ساده و ارزان قیمت ولی فوق العاده نظیف و پاکیزه و مرتب می پوشند.

بگروز یکی از آموزشگاههای دخترانه که نام آن «وسسه» (اکوستاشوله) بود قصد مطالعه رفتم این آموزشگاه از طرف زن فریدریک سوم (اکسوستین) در سال ۱۸۸۶ بنا و بمعارف هدیه شده بود عمارت آن فوق العاده بزرگ و عالی و دارای همه قسم وسایل و چهار طبقه بود، در هر طبقه یک سالون بزرگ ورزش با تمام آلات و اسباب ژیمناستیک موجود داشت در مجاورت این سالونها حمامهای آب سرد و لوازم شستشو قرار داده شده بود تا بعد از ورزش دانش آموزان بشستشو و تنظیف پردازند این مطلب بما می رساند که آنها تا چه پایه بنظافت و پاکیزگی اهمیت میدهند علاوه بر این در حیاط هم میدانهای وسیع ورزش و بازی موجود بود سالون بزرگ نمایش، لابراتوارهای نظیف و جامم، نهارخوریهای وسیع و پاکیزه و بالخصوص آئین خانه و شستشو خانه های خیلی مفصل و مرتبی برای تعلیم و تدریس خانه داری داشته که تمام تعلیمات در آنجا با اصول صحیح و فنی بوده و ساختمان آنها بشکل کلاس برای هر چهار نفر دختر فرهای جداگانه و لوازم جداگانه داشته است.

خلاصه در این عمارت بزرگ پنج آموزشگاه: کودکستان، دبستان، دوره اول دبیرستان و دو دوره دوم دبیرستان علمی و ادبی جا گرفته بود با اجازه رئیس آموزشگاه در موقع تدریس وارد کلاسها شدیم مخصوصاً در یکی از آنها که حساب تدریس میشد میخواهم مختصری از وضعیت آن برای خانمها تعریف کنم.

درس حساب بود و آموزگار کسر متعارفی را تدریس میکرد ولی در جاو دانش آموزان چیزی نمیتوان کتاب و دفتر و مداد و قلم موجود نبود آموزگار کیف خود را از جیب بدر آورده پولهای خود را شمرد بعد رو بمحصلات نموده مسائل ساده ای مربوط بزنگانی روزانه طرح و بسط و آلات شروع کرد بدین نحو که من امروز غذا درستوران صرف کردم و این غذا برایم

چهار مارک ونیم تمام شد که تقریباً یک هفتم وجه موجودی من بوده آیا قبل از غذا در کیفم چقدر پول داشتم بعد از این مبلغ ده درصد به پیشخدمت دادم آیا وجهی که به پیشخدمت پرداختم چقدر بوده و پول غذا چقدر؟

خلاصه تا آخر درس همین طور بتدریج از سوالات آسان بمشکل وارد شده و این درس را طوری برای بچه ها شرح داد که همه آنها تا آخر درس نشاط و دقت خود را از دست ندادند مخصوصاً آموزگار متوجه این نکته بود که نظر دقت و توجه تمام محصولات را بخود جلب کند و همه آنها را تا آخر درس در جواب سوالات شرکت میداد و فرصتی باقی نمی گذاشت که حواس آنها متوجه مطالب دیگر باشد.

بعد بهر کلاسی که وارد شدم از فعالیت و عملیات بچه ها در شکفت ماندم در دروس طبیعات محصولات خودشان از حیوانات و نباتات و جمادات کالکسیون های مرتب و منظمی تهیه کرده و سنکهای رنگارنگ را جور نموده و اشکال ظریفی ترتیب داده بودند. اطاق تعلیمات هنرهای یدی آنها بسیار تماشائی و قابل تحسین بود یکمده از دانش آموزان نخهای حصیری رنگارنگ جلو خود چیده، قوطی ها، زیر یشقاب و کاغذ دان و سبدهای کوچک می یافتند و عدده دیگر از مقوای کاغذی اشباع مختلفی تهیه کرده و عددهای هم از باقیمانده پارچه ها و بالشها و از باقیمانده نخهای پشمی رنگارنگ قالیچه های ضخیم برای فرش کردن جلوه بجز و جلورخته خواب می یافتند و یکمده هم از چوب اشعیا ظریف مانند قلمدان و کاغذ دان و غیره می ساختند. خلاصه همه بایک عشق و علاقه کامل مشغول کار بودند وقتی که در همان بنا قسمتهای شعبه علمی و ادبی را تماشا کردیم از لطف و زراکت و دبیبی این دخترهای جوان که در لابراتوارها با چه علاقه مخصوص متوجه درس و تعلیمات دبیران بودند و چه کالکسیون های خوب با دست خود برای آرایش آموزشگاه خود تهیه نموده بودند واقعا متحیر ماندم.

در آلمان هر دختری بعد از ختم تحصیلات اجباری در سن چهارده سالگی اگر نخواهد بتحصیلات بالاتر ادامه دهد مجبور است که حتما وارد هنرستان شده و سه سال رشته ای را تعقیب نماید هنرستانها در آلمان مانند آموزشگاهها زیاد و متعدّد است و اهمیتی بسزا دارد و در این هنرستانها که دوره آن سه سال است چیزهایی را که برای یک دختر جوان و کدبانویان لازم است همه را یاد میدهند.

یک روز نیز برای تماشا یکی از هنرستانها رفتم اول با مدیره مؤسسه ملاقات نموده و از او راجع بطرز اداره هنرستان سوالاتی نمودم و در ضمن پرسیدم که عدده محصولات این هنرستان چقدر است جواب داد هفت هزار نفر! تعجب کردم که چگونه این عمارت که از حیث وسعت متوسط است و خیلی هم بزرگ نیست گنجایش هفت هزار نفر را دارد؟ خانم رئیسه فوراً ملفت تعجب من شده بتوضیحات شروع کرد که اغلب دخترهای جوان که با این مؤسسه می آیند ۱۵ الی ۱۸ سال دارند و بیشتر دخترهای کارگرو یا دخترانی هستند که در تجارتخانه ها و مؤسسات و منازل دارای شغلی می باشند فقط هفته ای یکروز هفت ساعت با این مؤسسه آمده در مدت سه

سال هنرهای ضروری که بالخصوص مربوط بشغل خودشان باشد فرا میگیرند. و اظهار مینمود که اداره کردن ایندو مؤسسه و نظم و ترتیب و تشکیلات آن و مرتب کردن محصولات بکلاسها بنسبت روزهای تعطیلی که از مؤسسات اجازه گرفته اند بسیار سخت و مشکل است ولی با تمام آن زحمات و سختی باز اظهار خشنودی و رضایت میکرد که ما این ترتیب را که بکار میبریم اگر چه پر زحمت است نتایج نیکو و منافع فوق العاده ای بهمال نسوان و تربیت دختران جوان مامیدهد. در بران باب و در ایالات ولایات هم ۲۰ باب هنرستان موجود است که احتیاجات تمام آلمان را از این حیث رفق و دخترهای جوان را در کارها و مشاغل خود صاحب عام و هنر و تجربه میکند. عصرها هم در این عمارت کلاسهای برای اکابر و زنهای شوهردار موجود است که آنها هر دوره را عوض یکسال در ششماه با تمام میرسانند.

در مدت سه سال تحصیلی در سال اول منحصر اقسام برش، دوخت، کلاهدوزی و هنرهای بدی و آرایش لباسها و مختصری از مد سازی و نقشه کشی یاد داده می شود سال دوم خانه داری که شامل قسمتهای نظیف خانه و اشیاء و اطو کشی و بخت ویز است سال سوم بزرگ کردن بچه، پرستاری مریض و قوانین بهداشت خانه و اطفال، آداب مادری و شوهرداری و مختصری راجع بحقوق نسوان در ازدواج و میراث و راجع بحقوق کارگران و رئیس کار و قوانین مدنی و اطلاعات مختصری راجع به نژاد و ملت آلمان تعلیم و تدریس میشود علاوه بر این در هر سال برنامه مخصوصی دارند که باید بگردش موزه ها و نمایشگاهها بروند. این کلاسها هم هر یکی برای پیشرفت کار به شعبه منقسم شده يك شعبه برای آنها که هوش و ذکاوت آنها خیلی خوب است و يك شعبه برای دارندگان ذکاوت و هوشهای متوسط و یکی هم برای کم هوشها و کودکانها. در موقع ورود باین مؤسسات از هوش امتحانی نموده و محصولات را نسبت بنتیجه آن طبقه بندی میکنند.

در آلمان علاوه بر آموزشگاهها و هنرستانها تشکیلات خیلی بزرگ و مهم دیگری وجود است که به پرورش و تربیت دختران کم کهای شایانی میکنند یکی از این تشکیلات موسوم به (B. D. M.) یعنی تشکیلات اتحادیه دختران آلمان و دیگری تشکیلات کار اجباری در آلمان است. تشکیلات اتحادیه دختران آلمان که يك ملیون و نیم دختر در آن عضویت دارد دارای جمعیت فوق العاده مهم و مرتبی است که رئیس آن بنام (خانم تروود مور) موسوم است.

برای اینکه از طرز ترقیات و تشکیلات این جمعیت و آموزشگاهها و اصول تربیت و پرورش آنها آگاه باشم يك روز روز پنجشنبه سوم سپتامبر ساعت ۲ بعد از ظهر با يك نفر از دختران جوان که منسوب بشعبه تبلیغات این جمعیت بود یکی از آموزشگاههای آن رفتم. این آموزشگاه در نزدیکی قصبه (نویرویین) در ۸۰ کیلومتری شمال بران واقع بود. خانه کوچک و مختصری که عبارت از دوازده اتاق بوده برای این مؤسسه تعیین نموده بودند.

وضعیت این خانه از حیث منظره و آب و هوا فوق‌العاده زیبا و در کنار دریاچه میان چمنزارها بنا شده است این مؤسسه مخصوص تربیت رؤسای آموزشگاه‌های اتحادیه دختران آلمان بوده که هر سال از میان دانش‌آموزان آن دخترهائی را که از حیث اخلاق و لیاقت و استعداد بر سایرین برتری دارند انتخاب نموده و باین مؤسسه میفرستند تا در آنجا در عرض سه هفته توقف تمام تعلیماتی که برای رباست آموزشگاه‌ها و تعلیم دختران جوان لازم است فرا گرفته و بعد برای تعلیم در آموزشگاهها بشهر برگردند. باین ترتیب در هر سه هفته به ۴۰ نفر رؤس تعلیم داده میشود که تقریباً سالیانه (۲۳۴۰ نفر) رؤس آموزشگاه در همین عمارت کوچک تعلیمات مخصوص اداره آموزشگاهها را فرا گرفته و بر میگردند. رؤسا و آموزگاران مؤسسات این جمعیت همه مجبورند که سالی سه هفته در این مؤسسات توقف نموده و ترتیبات و تعلیمات جدیدی فراگیرند تا دانش‌آموزان را از روی همان اصول تربیت کنند طرز ترتیب اداره و تشکیلات اتحادیه دختران آلمان فوق‌العاده مرتب و منظم است و معلوم میشود که رؤسا و بزرگان این تشکیلات با عشق و علاقه سرشاری به پیشرفت این جمعیت همت و جدیت میکنند رؤس آموزشگاه که یک دختر جوان و فوق‌العاده با هوش و لایق بنظر می‌آید، بن چنین اظهار نمود که: « اگر شما در یک روز وارد ده تا آموزشگاه این جمعیت بشوید ملاحظه خواهید نمود که تمام برنامه اعمال روزانه و تعلیمات و دستور کارهای عملی آنها حتی فکر و مقصد و غایب آنها بکیست و کوچکترین فرقی میان آنها موجود نمی‌باشد.

ترتیب عملیات روزانه و ساعات کار آنها بدین نحو قسمت شده است که صبح ساعت شش بیدار میشوند تا ساعت هفت ورزش و شستشو و شنا نموده ساعت هفت غذا میخورند و ساعت هشت شروع بدرس مینمایند قسمت تدریسات نظری بعهده رؤس این مؤسسه است که بآنها تمام قوانین مدنی و تشکیلات کشوری و لشکری آلمان مختصری از جغرافیا و آلمان عادات و آداب ملت آلمان و مخصوصاً اخلاق صحیح درستی و امانت، نظم و ترتیب در زندگی، مینهن پرستی و فداکاری در راه نفع و صلاح کشور را بآنها یاد میدهند که تمام این مواد بطور خلاصه و مفید در مدت سه هفته بآنها تدریس میشود. بعد در ساعت یک غذا خورده تا ساعت دو استراحت نموده و در ساعت دو غذا موجود آنها بدو قسمت میشوند یک قسمت بهتر های بدی و قسمت دیگر به بازیهای اسپوری و ورزش مشغول میشوند در ساعت چهار بالعکس عوض شده قسمت اول ورزش و قسمت دوم بهنرهای بدی اشتغال میورزند. از ساعت ۶ الی ۷ استراحت نموده ساعت هفت غذا خورده بعد در تالاری میشوند در رادبو باخبار روزانه و موزیک نسی می‌دهد و با بازی و خنده و تفریح تا ساعت ده گذرانده و ساعت ده میخوانند

برنامه اعمال آنها طوری تنظیم شده است که تمام کارهای این آموزشگاه را اعم از پخت و پز و نظیف و غیره خود دخترها بترتیب و به انجام میدهند و کسه کلفت و نوکر در آنجا موجود نمی‌باشد و در اداره آن هم سه درجه دقت و صرفه جویی بعمل می

آنچه که در این تشکیلات بیش از همه چیز اهمیت داده میشود همانا زندگی اجتماعی افراد آنست از اول بهار آنها را باطراف ودهات میبرند که در چادرها زندگی میکنند و در این چادرها تمام مایحتاج و لوازمی که طرف احتیاج است با دستهای کوچک این صنعتگران تهیه میشود.

آلمانها يك دستورالعمل زندگی دارند که آن را از بچه های خرد سال تا پیره زنهای سالخورد دائم تکرار میکنند و در واقع ورد زبان آنها است (آلمانی باید کار کند) از بچگی افراد را بکار و فعالیت وادار می کنند حقیقتا هم تماشای کار کردن و هنرمندی این کارگران کوچک بسیار لذت دارد و تماشاخانه است . پسران دوازده و سیزده ساله را می بینید که بدست خود آلات و ابزار گرفته برای چادرها نمکت و صندلی و تختخواب و لوازم آشپزخانه می سازند ، الکتریک میکشند زمین را شخم کرده اطراف چادر های خود را با انواع گل و ریاحین و سبزی و چمن زینت می دهند و دخترهای دوازده و سیزده ساله را می بینید که مشغول پخت و پز و انوکشی و نظیف و کفکاری و غیره می باشند خلاصه در این چادر ها احدی را نمی بینید که بیکار باشد .

از رئیس مؤسسه پرسیدم که آیا غایت و مقصود از این تشکیلات چیست و مخصوصا

در تربیت دختر ها بچه نکاتی بیش از همه چیز اهمیت میدهند ؟

خانم رئیس مؤسسه پاسخ داد که غایت و مقصود از این تشکیلات پرورش و تربیت يك نژاد صحیح و سالم و توانا است تا بتوانیم با کمال اطمینان آئینه آلمان را بدست آنها بسازیم و در پرورش و تربیت آنها نیز به دو چیز بیش از همه اهمیت میدهم اول تندرستی و بهداشت این نسل جوان است زیرا امروز دیگر با کمالات گذشته است که دوام و بقای يك ملت بسته بر سلامتی و تندرستی افراد آنست ، و برای تأمین این منظور عد مؤسساته بتغذیه و نظافت و ورزش بچه ها خیلی دقت و مواظبت می کنیم آنها را هر روز بکمربه بهداشتی بدن و صبح ها و عصر ها يك ساعت ورزش و بازی های اسپوری نسبت بمقتضای فصل وادار می نمائیم . در مواقع آزادی و استراحت آنها کاملا مواظب هستیم که بچه ها بقدر کافی بخندند و تفریح کنند خنده را یکی از عوامل عمده صحت می شناسیم مخصوصا بیشتر مراقب هستیم که بچه ها زیاد سرودهای وطنی و آواز های طرب انگیز بشنوند که در قالب کوچک آنها فرح و سرور و شادی تولید شود و شادی تولید نموده و نشسته هم تولید صحت نماید .

در ثانی مسئله تربیت اخلاقی آنها در نظر ما خیلی مهم است و تمام دقت خود را در تقویت اراده و تربیت نفس آنها بکار می اندازیم تا آنها بگویند که برای دین و رساندن بهجامه خود و مفید واقع شدن بمنافع ملت آلمان و برای حفظ حیثیت و هرافت آلمان خفا شده اند از سر چشمه قدرت جوانی و فعالیت آنها باید محصولات این کشور آبیاری شود و وظیفه آنهاست که این قوت و فعالیت جوانی را فقط برای پیشرفت و بقای کشور و مات آلمان بمصرف برسانند مخصوصا بیش از همه چیز بتربیت شخصیت

آنها سعی میکنیم زیرا لازم است دختران جوان ما باین نکته آگاه باشند که گواهی نامه قدرت و لیاقت آنها نه امتحاناتیست که گذرانده اند نه وجاهت و زیبایی آنهاست نه تنوع و مکتب و نه اشرافیت و انتساب بخانواده های بزرگ بلکه تنها در شخصیت آنهاست که تا بتوانند با نیروی همان شخصیت و وظائف فردی و اجتماعی خود را بخوبی انجام دهند ما از دخترهایی که تربیت ناقص دیروز را فرا گرفته و امروز معنای زندگی را تنها در آرایش و پیرایش خود دانسته و تمام عمر خود را بتفریح و خود نمایی میگذرانند متنفریم ملت آلمان دوست دارد که مادران خوب و زنان لایق بمدریت خانه و پرورش فرزند تربیت نمایند .

این خانم رئیس جوان مؤسسه با تمام حرارت قریب یکساعت راجع بچگونگی تربیت دختران عقیده ها و نظریه های سودمندی اظهار نموده واقعا در آن روز آزماینده این مؤسسه کوچک و ساده و زیبا که منافع شایانی بحالم نسوان و مادران آن کشور میرساند بسیار محفوظ شدیم .

در آلمان علاوه بر نظام وظیفه کار اجباری نیز متداول شده است . باینترتیب که جوانها بعد از ختم دوره نظام وظیفه مدت ششماه بدون مزد فقط در مقابل غذا و لباس بنظم دولت کار میکنند و مسلما این ترتیب نتایج نیکویی داده و برای این وضع شده است که جوانها را مدتی از هوای فاسد و پرجنجال شهرها بیرون کشیده و آنها را با آب و خاک و طبیعت و مزارع و جنگلها و دهات میهن خود آشنا کنند و با این وسیله از نکات کشت و زرع و آبیاری جوانها نیز کسب اطلاع نمایند بارزش زحمت و فداکاریهای دهقان بیچاره بی برند که باین فداکاری برای تهیه نان و قوت و آذوقه شهرها گرفتار رج و مشقت است لازم است که قدری شریک درد و زحمت آنها شده و در تخفیف بار سنگین و کار زیاد آنها کمک نمود و بانرویی علم و دانش در بهبودی وضعیت و بهداشت آنها کوشید و در تربیت فرزندان دهقان که پدر و مادر آنها بواسطه اجبار اشتغال در مزارع در تربیت آنها اهمال میکنند اهتمام نمود و نباید گذاشت که این کلهای طبیعی دهن و باغات بدون باغبان و یاسمان مانده زود پژمرده و افسرده شوند لذا این تشکیلات فواید و محسنات بیشماری هم در تربیت دهقان و هم در تربیت جوانان می بخشد .

کار اجباری در آلمان برای دخترها هنوز کاملا عملی نشده است اما رنهای آلمانی که واقعا در تمام امور کمک و پشتیبان مردان آلمانی هستند بمنافع و مزایای کار اجباری بی برده و آن را با طیب خاطر و کفاهه روئی پذیرفته اند از سال ۱۹۳۳ به بعد جمعیت نسوان آلمان راجع بحسنات و فواید کار اجباری کنهرا نسوا داده و دختران جوان را برای ورود بان تشویق و تشریح نموده و آنها را دسته دسته باین تشکیلات داخل کرده اند که اکنون سالیانه بیش از ده هزار دختر کار اجباری را داوطلبانه انجام

میدهند و چنین بنظر می آید که هنر قریب برای دخترها نیز اجباری خواهد شد .
 سن معین کار اجباری در دخترها از ۱۷ الی ۲۵ سال است یعنی دخترانی که در این سن ها تحصیلات خود را تمام میکنند وارد تشکیلات کار اجباری شده و یک سال خدمت مینمایند آنها را به چادرهایی که در اطراف هر شهر برای این کار معین و برپا شده است میفرستند مثلا در خود برلن ده دستگاه و در نواخ برلن ۳۰ دستگاه چادر کار اجباری برای دخترها موجود است که هر یکی از آنها در دهی واقع است دخترها از ۳۵ الی ۵۰ نفر در این چادرها در تحت اداره یک رئیس و یک معاون زندگی میکنند و مجبور اند که روزی شش ساعت تمام کار کنند یعنی ساعت پنج صبح بلند شده تا شش غذا خورده و لباس پوشیده و ساعت شش و نیم در سر کار معین خود حاضر میشوند و تا یک و نیم بعد از ظهر خدمت میکنند و نوع کار و خدمت آنها نیز بسته بوضعیت کار و محصولات آن ده و با قصبه ایست که آنها را روانه کرده اند در دهات بزین های دهاتی در اداره منزل و پرورش فرزند دستورها و تعلیماتی داده و کمک میکنند همچنین در پرورش حیوانات اهلی و در مزارع در درو کردن و دست کردن محصول و جلوگیری و محافظت نباتات از آفات بددهاتیها معاضدت و یاری مینمایند .

در قصبه هایی که بیشتر کارخانجات دائر است سالی یکمرتبه بزنان کارگر برای رسیدگی بامور خانه و یا در مواقع احتیاج باسراحت مثلا حمل و کسانهای دیگر با استفاده از حقوق مرخصی داده و دخترهای جوان را بجای آنها بکار میگذارند باین ترتیب بزنان کارگر و بیچاره که از سنگینی کار خسته و فرسوده شده اند دستگیری و کمک بزرگ میشود و آنها در سایه همان استراحت نیروی جدیدی گرفته و با قدرت و قوت تازه ای بکار ادامه میدهند .

دهاتی ها از نور علم و معرفت این دخترهای شهری بهره میبرند و دخترهای جوان هم از آب و هوای صاف و از حرکت و فعالیت زندگانی دهقانی نیرومند و توانا میشوند گونه های زرد و اندام های لاغر آنها در هوای پاک و صاف دهات رنگ و روشنی گرفته قوی و ننومند و شاداب میگردد و در حین رشد و نمو مانند گلهای و بوته ها از آسمان صاف و نور آفتاب درخشان در روی چمنها قد و قامتی بالا کشیده اندام آنها زیبا و گونه های آنها گلگون میگردد .

با این ترتیب زندگانی شهری و دهاتی که تا حال از حریت بهم بیگانه بوده اند وحدت روحی و شناسائی جدیدی بین آنها تولید میشود دیگر آن دخترهایی که دانشکده ها را تمام کرده و غیر از عالم خود و کتابهای خود چیز دیگری را نمی شناخته و مفرور بوجود خود بودند در آلمان موجود نیست حالا با عشق و علاقه کامل دخترهای جوان بیشتر مایل هستند که بمطامین کتاب طبیعت هم آگاهی یابند و اکنون احترام دهقان را بیشتر نگاهداشته و زحمات او را بیچشم خود دیده قدر و قیمت و ارزش وجود او را بهتر میشناسند .

در روز اول سپتامبر با یک نفر از خانه‌ها که منسوب به جمعیت نسوان آلمان بود برای نشانی یکی از چادر های کار دختران به ده (غلیندورف) که در پنجاه کیلو متری شمال شرقی برلن واقع است رفتیم این چادر بنام (الیزابت هوهه) موسوم بوده که ۱۰ نفر دختر در آن زندگانی می‌کردند چون بعد از ظهر رفته بودیم تمام دختران طرف صبح شش ساعت در اطراف و در کلبه های دهاتیها و باغات و مزارع کار های روزانه را خانه داده و بیچادر خود برگشته بودند حالا طرف عصر در روی چمنها در دور رئیس خود نشسته و کار هائیرا که انجام داده بودند حکایت میکردند یکی از آنها شرح می‌داد که چگونه بیک منزل دهانی که دختر سه ساله اش بزمین خورده و شکاف بزرگی در پیشانی او باز شده بود بموقع رسیده و فی الفور بیچادر برگشته برای مداوا و بستن زخم او دوا و لوازمی بر داشته و زخم دخترک را معالجه کرده و بسته بود دیگری با خنده های زیاد شرح میداد که چگونه طفل یکساله دهانی را حمام داده و لباسهای کثیف او را شسته و پاکیزه نموده و بچه را در زیر سایه درختان لای لای گفته و خوابانده بود و آن دیگری از مزرعه بحث میکرد که چگونه در درو کردن محصول بدنهانی ها کمک کرده و در زیر آسمان صاف و آفتاب درخشان با آواز خواندن از درو کنندم لذت برده است .

خلاصه از پیشانی و گونه های این دختران جوان که از تابش خورشید سرخ رنگ خنده بود و برق میزد شادی و مسرت مشهود بود و همه آنها از این زندگانی ساده دهانی که بالخصوص بهمینوع خود ناغم بوده و کمک میکردند جسمها و روحا شاد و خرم بودند . امروز هر کسی که از سرحد آلمان بداخل آن قدم میگذارد فوراً علائم و آثار نیکو و فوائد و محسنات بی شمار این طرز تربیت صحیح و عملی را با کمال وضوح مشاهده میکند که آلمانها چه اندازه به نظافت و پاکیزگی و نظم و ترتیب اهمیت میدهند و تاجه پایه مقید باطاعت قوانین و نظام و آداب کشور خود هستند .

بانوان گرامی مطمئن باشند که در پرورش و تربیت فرزندان يك ملت مهمترین مسئولیت بهند آموزگاران است و تنها آموزگاران میتوانند احساس و پایه تعلیم و تربیت را بوجه احسن و نیکو و صحیح شروع کنند چنانکه شاعر شهر ما صائب تیریزی گفته است :

خشت اول گر نهاد معمار کج تا تریبا می رود دیوار کج

همه خانمهای آموزگار که نخستین معماران کاخ رفیم و بلند پایه تعلیم و تربیت کشور ما هستید سعی کنید که خشتهای اولیه آنرا با مواظبت کامل راست و مستقیم بگذرانید که تا پایه و اساس آن با دستهای توانا و کوشش و اهتمام شما محکم و استوار گردد .